



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

گزارش یک کتاب

اخلاق المسلم و كيف نربى ابناءنا عليها

نوشته: محمد سعید مبیض

تهیه کننده گزارش: محمد احسانی

(فارغ التحصیل رشته تعلیم و تربیت اسلامی از مؤسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی علیه السلام)



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب «اخلاق المسلم و کیف نربی ابناءنا علیها» تألیف محمد سعید مبیض، توسط «مکتبه الغزالی» در سوریه و در سال ۱۹۹۱ انتشار یافته است. نویسنده در مقدمه کتاب، انگیزه خود از تألیف این کتاب را اهتمام زیاد اسلام به اخلاق حسنه و پرورش فضایل اخلاقی می‌داند که یکی از وجوه تمییز و برتری اسلام بر سایر ادیان است. این اهتمام به گونه‌ای است که پیامبرگرامی ﷺ غرض از بعثت خود را اتمام مکارم و فضایل اخلاقی عنوان کرده است. اهمیت و جایگاه رفیع اخلاق فاضله در حیات فردی و اجتماعی ملت‌ها و سعادت جوامع انسانی، انگیزه دیگری برای مؤلف بوده است. کتاب در بردارنده چهل موضوع اخلاقی است که ده موضوع آن در «تزکیه نفس»، بیست موضوع در «تهذیب اخلاق» و ده موضوع باقیمانده در «اصلاح و ارزش رفتار» است. بحث از هر موضوع، با بیان برخی آیات و احادیث وارده پیرامون اهمیت و جایگاه آن موضوع شروع می‌شود، سپس موضوع اخلاقی و به عبارت دیگر «خلق» مورد نظر تعریف شده و آنگاه شرحی کافی از ابعاد موضوع، که مرتبط با زندگی انسانی و اجتماعی است، ارائه می‌شود. در پایان هر مبحث نیز روش‌های تربیتی ناظر به ایجاد آن خلق توضیح داده می‌شود. وجه امتیاز

این کتاب بر سایر کتب اخلاقی موجود، همین مسئله است؛ یعنی این که این کتاب، علاوه بر رویکرد «خود تربیتی» رویکرد «دیگر تربیتی» را نیز ملحوظ داشته است؛ هر چند کسانی می‌توانند از عهده تربیت اخلاقی برآیند، که پیش از اقدام به تربیت اخلاقی دیگران، نفس خویش را تهذیب کرده و به اصطلاح خودسازی کرده باشند. از این رو مهم‌ترین روش تربیتی، که نویسنده در ایجاد هر خُلق پسندیده یا رفع و دفع هر خُلق ناپسند ارایه می‌کند، روش الگویی و عملی است که مربی باید آن را به کار بندد؛ یعنی باید خود الگویی کامل برای متری باشد.

این کتاب فاقد بخش و فصل است و هم چنان که نویسنده یادآور شده است، فقط به بیان خلق‌ها با تقسیم یاد شده و یک مقدمه اکتفا شده است. قابل ذکر است که مؤلف هنگام تبیین صفات اخلاقی، تعریفی از این سه اصطلاح ارایه نکرده، آنها را تفکیک موضوعی ننموده و مشخص نکرده است که چه صفاتی مربوط به تزکیه نفس و چه صفاتی مربوط به تهذیب اخلاق است.

مقدمه

نویسنده در مقدمه کتاب پس از بیان این که اخلاق در لغت به معنای طبیعت، سجیه و امثال آن است، معتقد است که معنای اصطلاحی اخلاق، عبارت از نیرویی است در اراده انسان که اگر نیک باشد به کارهای خیر و اگر ناپسند باشد به شر و فساد گرایش پیدا می‌کند. پس از آن، مؤلف ویژگی‌های اخلاق اسلامی را بیان می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. اخلاق اسلامی ثابت است و در اثر گذشت زمان تغییر نمی‌کند.
۲. اخلاق اسلامی مبتنی بر قوانین شرعی است و از خواسته‌های افراد تبعیت نمی‌کند.
۳. اخلاق اسلامی «دیگر محور» است نه «خود محور»؛ یعنی فرد، دیگران را بر خود مقدم می‌دارد.

۴. در اخلاق اسلامی، دریافت پاداش مبتنی بر نیت خالص است و کارهای اخلاقی با رضایت باطنی انجام می‌شوند.

با توجه به ویژگی‌های یادشده، اخلاق اسلامی نتایجی را به دنبال دارد که از جمله آنان می‌توان به: سعادت نفس و رضایت قلب، توسعه الفت و محبت بین افراد جامعه، نجات و رستگاری فرد، رفعت مقام و بلندی مرتبه انسان و... اشاره کرد. نویسندگان در پایان مقدمه با ارایه تعریفی از تربیت اسلامی، به روش‌های تربیتی اسلام به طور گذرا اشاره می‌کند. از دیدگاه او، تربیت اسلامی عبارت است از روش‌های مبتنی بر مبادی، اندیشه‌ها و آداب اسلامی، که مرئی برای تغییر رفتار و پرورش شخصیت مترئی به کار می‌گیرد. در هر جامعه‌ای، دو دسته روش تربیتی برای تربیت کودکان اعمال می‌شود:

۱. روش‌های تربیت مستقیم

روش‌هایی که والدین، مربیان و علماء در محیط خانه، مدرسه و مسجد به کار می‌گیرند. نویسندگان معتقد است که برای کارآیی هر چه بیش‌تر این روش‌ها در تربیت اخلاقی، توجه به دو نکته ضروری است: درک صحیح مفاهیم اخلاقی و مراقبت از کودکان تا زمانی که این مفاهیم در آنان درونی شده و به صورت عادت‌ی ریشه‌دار درآید.

۲. روش‌های غیر مستقیم

این دسته از روش‌ها شامل همه عوامل موجود در جامعه و محیط زندگی می‌شود که به نحوی در شکل‌گیری رفتار و شخصیت کودک تأثیر می‌گذارند. ابزارهای غیر مستقیم در تربیت برای خانواده‌ها، عبارت‌اند از: تربیت الگویی در قالب تأسی به سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله، معلمان، پدران و مادران؛ مراقبت از رفتار فرزندان و کنترل گرایش‌های آنان؛ و تأمین محیط سالم و صالح برای تربیت کودکان. پس از بیان این مقدمه، نویسندگان به ارایه اخلاقیات با ترتیب مورد نظر خود

می‌پردازد. موضوعات اخلاقی که مؤلف به آنها پرداخته است عبارتند از: خُلق نیکو، اعتدال، رفق و مدارا، بردباری و فروشناندن خشم، امانت‌داری، صداقت و راست‌گویی، صرفه‌جویی، قناعت، صراحت در بیان حقیقت، شجاعت و پایداری، امر به معروف و نهی از منکر، ایثار، کرم و انفاق، نیکی به والدین، مروّت، اخلاص، تقوا، شکر و حمد، صبر، حیا، عفت، حبّ و بغض، تواضع، تجسس نکردن در اسرار مردم، گذشت، دوری از کینه، اجتناب از حسد و دشنام، تأویل نیکو، پرهیز از بدگمانی و عدالت. در اینجا برای نمونه به مواردی از این اخلاقیات اشاره می‌کنیم:

الف. حُسن خُلق

اخلاق، مجموعه‌ای از خصیصه‌های فطری یا اکتسابی است که تأثیر مثبت یا منفی بر رفتار انسان دارد. اگر این خصیصه‌ها نیک باشد، فرد دارای خُلق و خوی نیکو است، وگرنه فرد بد اخلاق خواهد بود. همه ادیان آسمانی و مصلحان جامعه، به خصوص پیغمبر اسلام ﷺ، مردم را به اخلاق حسنه دعوت کرده‌اند؛ زیرا اخلاق حسنه، قانون زندگی جامعه انسانی است که با اصلاح رفتار انسان‌ها، جامعه را به امنیت و آسایش می‌رساند و ظلم و ستم را از اجتماع دور می‌سازد.

ویژگی‌های حسن خُلق

ویژگی‌های خُلق نیکو عبارتند از: ادای حقوق مردم و کوتاهی نکردن در آن؛ کمک به مردم و شریک دانستن آنان در نعمت‌های الهی؛ قناعت کردن به کسب مشروع و عدم تجاوز به حقوق دیگران؛ معامله به مثل و عفو و احسان نسبت به دیگران و در مجموع رفتار با دیگران، آن‌گونه که فرد انتظار دارد دیگران با او رفتار کنند.

اخلاق نیکو با این ویژگی‌ها، سعادت انسان را فراهم می‌کند. اسلام برای تأمین سعادت و حفظ کرامت مردم، آنان را به فراگیری اخلاق حسنه دعوت می‌کند. قرآن کریم نیز خُلق نیکو را از اهداف خلافت انسان در زمین قرار داده است و بنابراین، هر

مسلمانی به عنوان خلیفه خدا در زمین، وظیفه دارد برای ترویج اخلاق نیک در میان جامعه تلاش کند تا فساد در زمین باقی نماند. اخلاق حسنه ارتباط نزدیکی با عبادت دارد و از ثمرات آن به حساب می آید. چون عبادات اساساً برای تغییر رفتار انسان تشریح شده اند و اگر به این نتیجه نرسند، حرکاتی بی فایده هستند. با تأمل در آیات مربوط به عبادات، معلوم می شود که هدف از آنها تزکیه نفس است. از این رو، نماز برای جلوگیری از فحشا و منکر «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت، ۴۵) و روزه برای تقوا «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (عنکبوت، ۱۸۳) و زکات برای طهارت و تزکیه جان و مال «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ بِهَا وَتُزَكِّيهِمْ» (توبه، ۱۰۳)، و حج برای رفع فسق و جدال «فَلَا زِفَتْ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالٌ فِي الْحَجِّ» (بقره، ۱۹۷)، واجب شده است. بنابراین بین دین و اخلاق و نیز بین رفتار اجتماعی و التزام دینی، جدایی نیست و هر یک دیگری را تأیید و تقویت می کند.

روش‌های تربیت خلق نیکو

روش الگویی

پدر و مادر و برادر و خواهر بزرگ‌تر باید الگوهای خوبی در رفتار نیک و اخلاق کریمه برای کودک باشند. چون کودک تحت تأثیر رفتار والدین و دیگر اعضای خانواده قرار دارد و از آنها الگو می‌گیرد.

مراقبت از فرزندان

والدین باید رفتار فرزندان را کنترل نمایند و از کارهای بد جلوگیری نموده، رفتار خوب آنان را تقویت کنند.

عادت دادن فرزند به اخلاق نیک

روش دیگر در تربیت اخلاقی فرزندان، آن است که آنان را به رعایت اخلاق کریمه عادت دهند. به این طریق که فرزندان را در موقعیت‌های مختلف قرار داده،

آنان را به راه حل‌های توأم با اخلاق حسنه هدایت نمایند.

ایجاد محیط مناسب

محیط، عامل مؤثر در ایجاد و رشد اخلاق نیکوست. از این رو، والدین باید برای تربیت اخلاقی فرزندان، محیط سالم همراه با رعایت اخلاق پسندیده را فراهم کنند؛ زیرا ممکن است یک لحظه همنشینی با انسان‌های بد، همه اخلاق نیک فرد را زایل نماید.

تهیه کتابهای اخلاقی

از روش‌های مؤثر در تربیت اخلاقی فرزندان، تهیه و توزیع آثار آموزنده اسلامی در زمینه اخلاق و سیره پیشوایان دین و تشویق آنها به خواندن این کتاب‌هاست؛ چون آثار گفتاری و رفتاری صالحان، بهترین نمونه‌های عملی برای اقتدا و پیروی فرزندان از آنان است.

ب. اعتدال و توازن و شخصیتی

شخصیت معتدل از نظر اسلام شخصیتی است که از صفات پسندیده‌ای مانند مهربانی با ضعیفان و سخت‌گیری با ظالمان برخوردار بوده و از عادات ناپسند به دور باشد. چنین شخصیتی با وجود فروتنی در برابر مؤمنان و خشونت با ستمگران، در مقابل تهاجم فرهنگ‌های فاسد مقاومت می‌کند و در حالی که اندیشه‌های اصیل اسلامی را حفظ می‌کند، با تحولات فرهنگی و پیشرفت تمدن بشری همراهی می‌نماید. موارد زیر از شاخصه‌های اصلی چنین شخصیتی به شمار می‌آید:

۱. اخلاق نیکو: به این معنی که فرد شاخصه‌های اخلاق نیک مثل تواضع و مهربانی را در خود داشته باشد.
۲. دوری از صفات رذیله: این که فرد از صفاتی مانند غیبت، سخن چینی، معصیت و منکرات دوری نماید.

۳. دانش و تفقه در دین: فرد به فراگرفتن علوم اسلامی پردازد و در حوزه‌های وسیع

آن نیرومند شده و در مورد متعادل سازی شخصیت خود تفحص کند و ورود یابد.

۴. **اصالت شخصیت:** فرهنگ و تمدن همواره در حال تغییر و تحول است و فرد متعادل کسی است که در برابر این تحولات و ارزش های دینی خود را حفظ نماید؛ زیرا اصول و مفاهیم اسلامی ثابت اند و گذشت زمان تغییری در آنها ایجاد نمی کند و فقط ابزارها و وسایل متغیرند. از این رو، مسلمان دارای شخصیت متعادل و اصیل، هرگز تحت تأثیر عوامل خارجی قرار نگرفته و به صورت کورکورانه از هر کسی تقلید نمی کند.

۵. **استواری شخصیت و قدرت معنوی:** تعالیم عالیه اسلام با توان معنوی که دارد در هر زمان و مکانی قابل اجراست و هیچ گونه تناقضی با علم ندارد. چون دین اسلام، به اعتراف بسیاری از دانشمندان غیر مسلمان، از هر گونه خرافات به دور است و مسلمان عالم و آگاه به آن، در هر شرایطی می تواند جاهلان را ارشاد و هدایت نماید.

۶. **تعادل شخصیت:** وظایف اسلامی به کارهای فردی محدود نمی شود؛ بلکه شامل مسئولیت های مهم اجتماعی مانند امر به معروف و نهی از منکر نیز هست و انجام این گونه تکالیف، نیاز به صبر و استقامت دارد. از این رو، داعیان به اسلام، باید از شخصیت متوازن برخوردار باشند.

روشها

روش مناسب برای تربیت شخصیت متوازن فرزند در محیط خانه، روش الگویی است. پدر و مادر باید در فهم حقایق اسلام و التزام به آن و نیز اعتدال شخصیت و دعوت به خدا همراه با حکمت و موعظه حسنه، الگوی خوبی برای فرزندشان باشند. آنها باید فرهنگ دینی فرزند را بالا ببرند و او را در جلسات بزرگان، مدارس و مساجد شرکت دهند. همچنین لازم است کودک را به حفظ آیات قرآن و احادیث اسلامی وادار کنند و در درس و انجام تکالیف درسی نیز وی را یاری نمایند.

این رفتارها شخصیت کودک را تقویت نموده، او را متعادل و متوازن بار می آورد. در این میان پدر به عنوان سرپرست خانواده، وظیفه سنگین تری نسبت به تربیت فرزند دارد. او باید معارف اسلامی را به افراد خانواده بیاموزد و آنان را در التزام به احکام دینی تشویق نماید تا به انجام دستورات الهی عادت کنند. پدر نباید کار خلافی در برابر دیدگان فرزندان مرتکب شود؛ زیرا او سرمشق زندگی اعضای خانواده و مسئول نجات آنها از آتش و رساندن آنان به سعادت دنیا و آخرت است و اگر گناهی در مقابل بچه‌ها انجام دهد، در واقع آن را به آنها آموزش داده است.

ج. رفق و مدارا

رفق و مدارا عبارت است از احساس و رأفت و مهربانی نسبت به مخلوقات، اعم از انسان و حیوان و گیاه. رأفت و رحمت، از اخلاق کریمه انسانی است که از قلب رقیق و پرعاطفه سرچشمه می‌گیرد. این نوع صفات، انسان را به شرکت در مشکلات مسلمانان مظلوم و نیازمند بر می‌انگیزد. در مقابل، اسلام انسان‌ها را از خشونت و سخت‌گیری نهی می‌کند، زیرا سخت‌گیری، اغلب به فسق و فساد منجر می‌شود. البته باید توجه داشت که اسلام مجازات‌هایی هم دارد، اما هیچ‌گونه تناقضی میان مهربانی و مجازات‌های شرعی وجود ندارد؛ چون کیفرهای اسلامی، فقط برای افراد مجرم وضع شده است و نه دیگر افراد اجتماع و اجرای این احکام در جامعه، مایه حیات و زندگی است «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (بقره، ۱۷۹).

موارد مدارا

۱. مدارا با پدر و مادر: بیشترین حق را بعد از خدای متعال، والدین به گردن انسان دارند؛ به اندازه‌ای که هیچ‌کس قادر به ادای آن نیست. از این روست که خداوند مهم‌ترین دستورات را در این زمینه داده و به انسان‌ها سفارش کرده است که نسبت

به پدر و مادرشان مدارا داشته باشند و نهایت احترام و اکرام را به آنان مبذول دارند. حتی گفتن سخن نادرستی چون «آف» در برابر والدین، مخصوصاً هنگام ضعف و ناتوانی آنها نیز شدیداً منع شده است.

۲. **مدارا با افراد خانواده:** وظیفه تربیت فرزند به عهده پدر است، ولی مادر هم نقش مهمی در آن دارد و به این جهت پدر باید با کلیه افراد خانواده، به خصوص همسر مهربان و بردبار باشد تا زمینه جسمی و روانی مناسبی برایش فراهم شود و بتواند به تربیت هر چه بهتر فرزندان بپردازد. هم چنین فرزندان نیز باید نسبت به مادر و خواهر و برادر خود مدارا داشته باشند.

۳. **مدارا به ذوی الارحام و خویشاوندان و بستگان.**

۴. **مدارا با ایتام، فقرا و مستمندان.**

۵. **مدارا با بیماران و ضعیفان و سالخوردهگان.**

۶. **مدارا با زیر دستان و نیازمندان.**

روش‌ها

سزاوار است پدر و مادر با فرزندانشان مهربان باشند و از سخت‌گیری نسبت به آنها خودداری نمایند؛ حتی اگر زمانی به گتک زدن فرزند نیاز شد، این عمل برای تأدیب باشد و نه انتقام. هم‌چنین بایسته است که والدین کودک را به مهربانی با برادران و خواهران و نیز ملاقات دوستان و بستگان تشویق نمایند و اگر خشونت از وی مشاهده کردند، ضمن تبیین پیامدهای خشونت، او را از آن نهی کنند. آنان می‌بایست خود نیز در مدارا برای فرزندان الگو باشند؛ یعنی اهتمام ورزند تا از سب و دشنام و سوگند بی‌جا و امثال آن خودداری نمایند. به خصوص پدر از دشمنی و بدرفتاری با همسرش در برابر فرزندان پرهیز نماید، تا آنها رفتارهای بد را از پدر نیاموزند. هم‌چنین شایسته است والدین فرزند را به غذا دادن به حیوانات و اهتمام ورزیدن به گیاهان و پرندگان و... ترغیب نمایند و از آزار آنها توسط او جلوگیری نمایند تا او با روحیه رأفت و مهربانی پرورش یابد.

د. بردباری و فرونشاندن خشم

بردباری عبارت است از نگهداری نفس از جوشش خشم و کنترل آن به گونه‌ای که در برابر عوامل هیجان‌انگیز منفعل نشود. در مقابل، «غضب» به معنای انفعال در برابر عوامل هیجان‌زا است، به نحوی که فرد تعقل و اعتدالش را از دست می‌دهد. انسان خشمگین در اثر هیجان جنبه عاطفی، هیچ چیز را رعایت نمی‌کند و از یاد خدا هم غافل می‌شود.

عوامل کنترل‌کننده خشم

۱. یاد آوری اجر و ثواب کسانی که خشمشان را مهار می‌کنند: «وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»؛ خداوند کسانی را که خشم خود را فرو می‌خورند و از خطای مردم می‌گذرند دوست دارد (آل عمران، ۱۳۴).
۲. خواندن دعا و به خصوص گفتن «اعوذ بالله من الشيطان الرجيم».
۳. تغییر حالت، مثلاً اگر ایستاده باشد بنشیند یا دراز بکشد و یا جا به جا شود.
۴. وضو گرفتن.
۵. قرائت قرآن.
۶. سجده برای خدا.
۷. گردش در هوای آزاد و تأمل در آسمان و مظاهر قدرت خدای متعال.

روش‌ها

مهم‌ترین روش در تربیت فرزند جهت کسب صفت حلم و بردباری، روش الگویی است که والدین با رفتارشان به او ارائه می‌دهند. اگر پدر و مادر نسبت به همدیگر و نسبت به افراد خانواده و دیگران حلیم و بردبار باشند، فرزندانشان نیز حلیم خواهند بود. اگر انسان با همسایه تندخو و بد اخلاق باشد و یا با همسر خود با عصبانیت صحبت و رفتار کند، بر فرزندان خود تأثیر منفی خواهد گذاشت. چقدر زیباست که والدین هنگام ارتکاب خطا، جداً از همدیگر عذرخواهی کنند. اگر در

محیط خانه چنین رفتارها و روحیه‌هایی حاکم باشد، سعادت دنیا و آخرت فرزندان تأمین می‌گردد.

راه دیگر، تهیه کتاب‌های اخلاقی و داستان‌های آموزنده در این زمینه است؛ زیرا با تشویق فرزندان به خواندن قصه‌های جذاب و سرگرم‌کننده از زندگی رهبران دینی، می‌توان اخلاق آنان را تقویت نمود.

ه. امانتداری

امانت در اسلام مفهوم وسیعی دارد و عبارت است از احساس مسئولیت در برابر خدا، نسبت به پیامدهای مادی و معنوی آنچه که به انسان داد شده است و انجام وظیفه در این زمینه. امانت اقسامی دارد که عبارتند از:

امانت مادی: امانت مادی و دبعه‌ای است که نزد امانت‌دار گذارده می‌شود و شخص امین موظف به نگهداری و استرداد آن به صاحبش است. امین باید امانت را بدون تغییر و مانند مال شخصی‌اش نگهداری کند و سپس به صاحب آن مسترد نماید.

امانت معنوی: این نوع امانت از اهمیت بیش‌تری برخوردار است؛ چون خیانت مالی به آسانی قابل جبران است، اما جبران خیانت در امور معنوی، مانند حقوق امت مسلمان و ارزش‌های دینی و انسانی، بسیار سخت و دشوار است. این نوع امانت خود اقسامی دارد:

۱. **امانت‌داری در انتخابات:** مردم بر اساس تعهدات فطری‌شان در صحنه‌های انتخابات باید افراد لایق را برگزینند تا ضمن جلوگیری از ظلم و فساد، ارزش‌های دینی و مصالح اجتماعی نیز تأمین گردد. اگر مردم به افراد فاسد رأی دهند، در امر انتخابات خیانت کرده‌اند.

۲. **امانت‌داری نسبت به افراد خانواده:** زن و فرزند و سایر اعضای خانواده، به عنوان امانت تحت اداره سرپرست خانواده قرار دارند. سرپرست خانواده که اغلب پدر است، باید به وظیفه خود عمل کند و در امر تعلیم و تربیت آنان تلاش نماید. اگر پدری در مورد تربیت دینی و اخلاقی فرزندان کوتاهی کند، به آنان خیانت کرده‌است.

۳. **امانت‌داری در برابر جامعه:** هر مسلمان در قبال جامعه وظایفی دارد که باید به آنها عمل کند. اگر انسان احساس وظیفه کند و خود را مثلاً امانت‌دار اموال عمومی و شخصی اجتماع بداند، هرگز اقدام به دزدی نمی‌کند و رشوه نمی‌گیرد، بلکه به نصیحت افراد جامعه پرداخته و آنان را هدایت می‌کند.

۴. **امانت‌داری نسبت به اسرار دیگران:** رازها و مسایل پنهان دیگران، که در شرایط خاصی به انسان می‌رسد، از نوع امانت معنوی است و افشای آنها، بزرگ‌ترین خیانت محسوب می‌گردد.

۵. **امانت‌داری درباره حریم زنان:** حرمت زنها مهم‌ترین نوع امانت است که حفظ آن وظیفه همه مسلمانان می‌باشد. هرگونه بی‌توجهی و بی‌تفاوتی در این زمینه، پیامدهای اجتماعی غیر قابل جبرانی خواهد داشت.

روش‌ها

در تربیت اولاد امانت‌دار، می‌توان از روش الگویی استفاده کرد و والدین امین می‌توانند فرزندان امانت‌دار تربیت کنند. پدر و مادر باید شیوه امانت‌داری را عملاً به فرزندان نشان دهند. مثلاً در نگهداری امانت‌هایی که نزدشان هست اهتمام داشته باشند، به یکدیگر درباره حفظ آنها توصیه نموده و اجازه هیچ‌گونه تصرف را در امانت ندهند. اگر فرزندان چنین رفتاری را از والدین مشاهده کنند، اهمیت امانت‌داری را درک کرده به حفظ امانت عادت می‌کنند. پدر و مادر، هم چنین می‌توانند فرزند را با روش‌های مختلف به رعایت امانت بیازمایند و از طریق آزمودن او، امانت‌داری را در او تقویت و نهادینه کنند.

و. صراحت در بیان حقیقت

صراحت به معنای گفتن سخن حق است، هر چند به ضررگوینده تمام شود. اگر کسی بر خلاف عقیده‌اش چیزی بگوید، یا منافق است. و یا ریاکار. ریا از اخلاق رذیله است و ریاکاران مورد اعتماد مردم نیستند؛ چون ریا نوعی دروغ‌گویی است

که در آن، خلاف واقع به زبان می‌آید و از جهت دوگانگی ظاهر و باطن، می‌توان ریاکار را منافق محسوب کرد.

صراحت گفتار در شهادت مطلوب است و اگر از کسی در مورد معامله یا ازدواج سؤال شد، باید حقیقت را بگوید تا مردم فریب نخورده ضرر نبینند. هم‌چنین بیان صریح واقعیت در مورد عقاید و اندیشه‌ها، از اهمیت بسیاری برخوردار است. به این دلیل که سکوت در برابر اندیشه‌های نادرست جایز نیست و باید بطلان آنها را بیان کرد؛ و گر نه افراد بی‌سواد و ساده اندیش گمراه می‌شوند. حق‌گویی در امر به معروف و نهی از منکر نیز مورد تأکید اسلام است.

روش‌ها

برای تربیت فرزند به حقیقت‌گویی و صراحت در بیان واقعیت، خوب است والدین خود با یکدیگر و با فرزندان و عموم مردم حق‌گو باشند و اگر کسی چیزی از آنان خواست، جواب مثبت یا منفی را صریحاً بیان کنند. نیز اگر فرزند به خاطر کامیابی و پیشرفت درسی از والدین درخواست هدیه کرد، به او وعده ندهند، مگر این‌که تصمیم جدی بر تهیه آن داشته باشند. هم‌چنین والدین به فرزند اجازه ستایش بی‌دلیل از کسی در حضور او یا مذمت نابجا در غیاب او را ندهند. پدر و مادر باید مراقب رفتار فرزندان باشند و هرگونه موضع‌گیری سطحی، جواب مجمل و تناقض‌گویی را از آنان نپذیرند و اگر چنین چیزی را از آنها مشاهده کردند، بلافاصله به درمان آن پردازند.

ز. عفت

عفت عبارت است از کنترل چشم و جوارح از حرام، دوری از شبهات و تبعیت از مقررات شرعی. عفت اقسامی دارد:

۱. عفت جنسی: خداوند غریزه جنسی را فطرتاً در ذات انسان نهاده است و حفظ نسل آدمی و بیرون آمدن انسان از تنهایی و رهایی از فشارهای روانی به آن بستگی

دارد. در این زمینه، از یکسو دستوراتی از شرع برای امر ازدواج و آسان‌گیری در آن وارد شده است و از سوی دیگر از نگاه حرام به نامحرم و اختلاط با زنان و امثال آن نهی شده است. عفت جنسی آن است که انسان به دستورات شرع عمل کند و گزینه جنسی را از راه مشروع که ازدواج است ارضا نماید و هیچ‌گونه طمع‌ی به زنان نامحرم نداشته باشد.

۲. عفت مالی: هر انسانی فطرتاً مال را دوست دارد و این علاقه به مال، به خودی خود مذموم نیست؛ چه بسا مال حلال اگر در اختیار انسان صالح قرار گیرد، مشکلات مردم را برطرف کند. آنچه خطرناک است، دل بستن به مال و ثروت است؛ طوری که انسان بنده آن شود و از هر راهی و بدون توجه به حلال و حرام به جمع آوری مال بپردازد.

عفت مالی به این معناست که انسان برای جمع کردن مال، کرامتش را حفظ کند و حرص و طمع، او را به استفاده از وسایل نامشروع و ادا ن سازد.

۳. عفت در جاه و منصب: برخی مردم به دلیل خودخواهی و شهرت‌طلبی، ریاست و رسیدن به مراتب عالی‌تر را دوست دارند و علاقه مندند که دیگران همواره از آنها تمجید کنند که این مسئله از اخلاق رذیله است. عفت در جاه و مقام آن است که انسان پست و مقامی را که شایسته آن نیست و دیگران در احراز آن از وی شایسته‌ترند، طلب نکند.

روش‌ها

عفت و پاکدامنی فرزندان، از عفت پدران و مادران ریشه می‌گیرد. اگر مرد پس از کار و تلاش، به روزی حلال و آنچه خدا مقرر کرده قناعت کند، نمونه عملی و عینی عفت برای فرزندان خواهد بود. زن هم می‌تواند در تقویت عفت به مرد کمک کند؛ اگر او خانه را خوب اداره کند و درآمد را به نسبت نیازها توزیع نماید و خواسته‌ها را کاهش دهد، همه افراد خانواده عقیف زندگی خواهند کرد. بر عکس اگر زن چنین رفتاری نداشته باشد، باعث ریختن آبروی مرد می‌شود. هم چنین زن می‌تواند

الگوی خوبی در عفت برای دخترش باشد. هرگاه مادر در برابر نامحرم قوی بود و از داد و ستد و سخن گفتن بدون ضرورت با نامحرم امتناع کرد، درس عفت به دختر خود داده است.

مراقبت از رفتار فرزندان نیز در تربیت آنان بر عفت بسیار مهم است. مادر باید هنگام دیدار دیگران، مراقب رفتار فرزندان باشد و پیش از حرکت، به ضرورت عفت و این که فرزند خوراک یا پولی از دیگران نگیرد تأکید کند؛ چون بهتر است که کودک این موارد را فقط از پدر و مادر خود دریافت کند. هم چنین والدین به پسران توصیه کنند که به دختران مردم نگاه نکنند و به آنان بگویند که آیا آنها راضی می شوند دیگران به مادر و خواهرشان نگاه کنند. همین طور کودکان را عادت دهند که بدون دعوت، بر سفره غذای کسی حاضر نشوند و از هیچ کس بدون حق، چیزی را نپذیرند.

ج. حبّ و بغض

محبت سرّی از اسرار وجود و عامل قوی در ایجاد انگیزه برای انجام کار خیر و دوری از شر است. محبت نمودهایی دارد و از آن جمله می توان به محبت بین والدین و فرزندان، محبت زن و شوهر، حبّ وطن، حبّ خداوند و حبّ در راه خدا، یعنی دوست داشتن انسان های متقی و مبعوض داشتن انسان های گناهکار اشاره نمود. از طرفی عواملی مانند سلام و احوالپرسی، ملاقات دوستان، صله ارحام، عیادت مریض، تعاون و همکاری و اظهار محبت، موجب تقویت و توسعه محبت و دوستی می گردد.

روش ها

۱. از روش های مؤثر در تربیت فرزند بر اعتدال در حب و بغض، روش الگویی است. اولیاء و مربیان نباید در حضور دانش آموز به کسی دشنام دهند یا او را مورد تهاجم قرار دهند. والدین نباید قطع صله ارحام کنند و با دوستانشان قطع رابطه

نمایند. البته پدر و مادر، به عنوان الگو فقط باید با صالحان و پرهیزکاران رفت و آمد داشته باشند.

۲. نباید به فرزند اجازه داد که در مدح و ذمّ دیگران افراط نماید، بلکه باید به او آموخت که در هر حال اعتدال را رعایت کند. اگر کودک با دوستش قطع رابطه کرد، باید بین آن دو آشتی برقرار نمود و آنها را تشویق به محبت و دوستی کرد.

۳. دیدار دوستان و اقارب نیز در تقویت محبت کودکان نسبت به آنان مؤثر است. باید به کودک یاد داد که هنگام ورود به منازل و مجالس، به دیگران سلام کند و به اخلاص عمل عادت نماید.

۴. اعتدال در صداقت هم در تحکیم دوستی نقش دارد. نباید به کودک اجازه داد که تمام وقتش را با دوستانش سپری کند؛ چرا که از انجام سایر وظایف باز می ماند و به تدریج دچار عقب افتادگی می شود.

۵. مراقبت از رفتار کودک در تربیت او بسیار مؤثر است و اگر والدین فهمیدند که تغییری در رفتار فرزند پیش آمده، مانند اضطراب، کم خوری و پر خوری، بلافاصله باید پیرامون آن تحقیق نموده و آن را درمان نمایند.

ط. تواضع

تواضع عبارت است از ترک ریا و حفظ نفس از تکبر، عُجب و غرور. تواضع نشانه پاکی، صداقت و سلامت نفس است و خدا، پیغمبر ﷺ و ائمه علیهم السلام بسیار بر آن تأکید نموده اند. تواضع در اسلام ناشی از این است که انسان خود را از هیچ کس برتر نداند و با این اندیشه زندگی کند که همه انسان ها از خاک اند و نسل همه به آدم بر می گردد؛ بنابراین وجهی برای تکبر و غرور نیست. تکبر معمولاً از تفاخر به علم، حسب و نسب، جمال و زیبایی، ثروت و کثرت فرزندان و اقوام ناشی می شود. نشانه های خارجی کبر و غرور می تواند نوع لباس، خودبینی، رفتار غرورآمیز، مخالفت با مردم و کوچک شمردن دیگران باشد.

روش‌ها

۱. اولین عامل مؤثر برای تربیت کودک متواضع، این است که پدر و مادر خود دارای تواضع و فروتنی باشند. پدر باید در محیط خانه خود را در سطح فرزندان قرار داده با آنان بازی کند و نسبت به همسرش نیز متواضع باشد. هم‌چنین با همسایگان، فقرا، کارگران و خدمتگزاران متواضع و مهربان باشد؛ طوری که در حضور کودکان به کسی توهین نکند. به علاوه، قصه‌هایی از تواضع بزرگان را برای فرزندان بازگو کند و کتاب‌هایی در این زمینه تهیه نموده در اختیار آنان بگذارد.

۲. پدر و مادر که بر رفتار فرزندان نظارت دارند، باید هنگام مشاهده رفتار متکبرانه آنها را نصیحت نمایند. همین طور آنان را به احترام به دیگران و عذرخواهی هنگام خطا تشویق نمایند؛ زیرا عذرخواهی، خود نوعی تواضع است و انسان متکبر حاضر به انجام آن نمی‌شود.

ی. دوری از تجسس در اسرار مردم

تجسس، اخلاق ناپسندی است که فرد را به سرقت اسرار دیگران برمی‌انگیزاند. این صفت، پست‌ترین خصوصیتی است که فرد به انگیزه انتقام یا اذیت دیگران به انجام آن اقدام می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

روش‌ها

در تربیت فرزند بر صفت دوری از تجسس در امور مردم، دوری والدین از این مسئله بسیار مؤثر است. هیچ‌گاه نباید پدر و مادر اقدام به کشف اسرار مردم کنند و گرنه کودک این رفتار را از آنان فرا می‌گیرد. حتی اگر نامه‌ای برای فرزندشان بیاید، نباید بدون اجازه آنان بازکنند. این گونه رفتار خود به خود بر کودک تأثیر می‌گذارد و او را بر اجتناب از تجسس عادت می‌دهد.

هم‌چنین شایسته است والدین مراقب رفتار فرزندان باشند و مثلاً اجازه نگاه کردن به خانه‌های همسایگان و بازکردن نامه‌های دیگران را به آنها ندهند و اگر

خلاف آن را مشاهده کردند، فرزند را تنبیه کنند. دوری از معاشرت با کسانی که در امور مردم تجسس می‌کنند نیز از روش‌های مقابله با این صفت زشت است.

ک. پرهیز از غیبت، سخن چینی و سعایت

غیبت، یعنی گفتن چیزی درباره کسی که به آن راضی نیست؛ اما تهمت گفتن چیزی در غیاب فرد است که در او نیست. نَمّامی، خبررسانی از کسی به دیگران است به منظور ایجاد فتنه و فساد بین مردم. «سعایت» نیز به هم زدن روابط دو نفر است از طریق دروغ و برای ایجاد فتنه. این چهار صفت، از پست‌ترین صفات هستند که هدف از آنها ایجاد کینه و فساد در جامعه است. با این حال، غیبت در بعضی موارد مانند دفاع از حق، مشورت در باب ازدواج، شهادت به حق، ذکر عیب به منظور شناخت صاحب آن و عیب‌جویی متجاهر به فسق جایز است.

روش‌ها

در این مورد نیز الگو بودن والدین برای فرزندان بسیار مؤثر است. پدر و مادر باید در محیط زندگی طوری رفتار کنند که در غیاب هیچ‌کسی سخن نگویند و غیبت کسی هم در حضور آنان گفته نشود. والدین با چنین رفتاری، درس خوبی به فرزندان می‌دهند. به علاوه پدر و مادر باید رفتار و گفتار فرزندان را نیز کنترل کنند و اگر غیبتی از آنان سرزد، پس از تنبیه نصیحت نمایند تا دوباره تکرار نشود. همین‌طور والدین هنگام شنیدن خبری از فرزند، باید از او پرسند که گوینده آن، اجازه نقل خبر را به دیگران داده است یا نه و اگر اجازه نداده، نباید آن سخن، حتی به پدر و مادر گفته شود.

ل. گذشت و دوری از کینه، حسد و دشنام

حقد، عبارت است از احساس خشم در اثر خصومت، حتی پس از عذرخواهی و مصالحه فرد خطاکار با طرف مقابل. حسد، احساس خشم نسبت به افراد برتر و

آرزوی زوال نعمت از آنان است. این دو صفت، ناشی از منیت، عجب و خباثت نفس است و فرد را به آزار دیگران وادار می‌کند. شمانت نیز که به معنی خوشحال شدن از مصیبت و گرفتاری دیگران است، صفت بسیار بد و مذمومی از نظر اسلام به حساب می‌آید.

روش‌ها

الگوی خوب اثر بسیار عمیقی در عادت پیدا کردن فرزند به دوری از کینه و حسد دارد. هر قدر والدین از این صفات اجتناب کنند، فرزند نیز از آنان تبعیت می‌کند. هم‌چنین نظارت بر رفتار کودک، بر تربیت وی مؤثر است. هر گاه والدین کینه و حسد کودک را نسبت به دوستانش مشاهده کردند، فوراً باید به معالجه آن از طریق نصیحت و تبیین آثار بد فردی و اجتماعی آن پردازند. زمانی کودک مرتکب خطایی شد، او را توجیه کنند که هر انسانی خطا می‌کند و راه جبران آن، عذر خواستن و بهتر از آن قبول عذر دیگران است.

به هر حال، رعایت آداب و اخلاق اسلامی مانند سلام کردن و عفو و گذشت را باید به کودک یاد داد و از او خواست که در برابر بدی و عداوت دیگران، با بردباری برخورد کند.

م. تأویل نیکو و پرهیز از بدگمانی

حسن ظن، خلق رفیعی است که هدف آن مدارا با مردم و فرصت دادن به خطا کار برای توبه و بازگشت است. این صفت نشانه صفای قلب، پاکی نفس، کرم و نشاط و تعقل شخص می‌باشد، چون اگر خطای فرد، بد تأویل شود، در او ایجاد کینه و عداوت بیش تری می‌کند و بار دیگر مرتکب خطای زیادتر می‌شود؛ ولی اگر خطایش به نیکی تأویل و عذرش پذیرفته شود، زمینه بازگشت او فراهم می‌گردد.

روش‌ها

والدین می‌توانند حسن ظنّ فرزند را در محیط خانه و رفتار با او تقویت کنند؛ به این روش که خود به کسی سوءظنّ نداشته باشند و کارهای دیگران را حمل بر صحت نمایند. برای کودک هم تبیین کنند که هر کار دیگران را برخلاف ظاهر تفسیر نکنند و مراقب رفتار فرزند هم باشند. والدین خطرات حکم بدون دلیل را برای فرزندان بازگو کنند و آنها را به این امر عادت دهند که نباید قضاوت بی دلیل و نظیر بدون آگاهی ارایه دهند و یا اتهام بدون شاهد را بپذیرند.

ن. عدالت

عدل به معنای اخذ و اعطای حق است، یعنی اینکه فرد هم حق خود را بگیرد و هم حقوق دیگران را پرداخت نماید. اما ظلم آن است که فرد حق خود را بگیرد، ولی حقوق دیگران را نپردازد. پس عدل، مستلزم حق در قول و عمل و یا دادن حق هر صاحب حقی به او بدون کم و کاست و برابری میان صاحبان حق و رضایت ندادن به ظلم بر هیچ کسی است.

روش‌ها

خوب است والدین قبل از هر چیز، در محیط خانه عملاً مجری عدالت بوده و در هر کاری به آن عمل نمایند تا سرمشق خوبی برای فرزندان باشند. مثلاً میان فرزندان دختر و پسر و کوچک و بزرگ فرق نگذارند، در پرداخت حقوق دیگران و ادای دین، اجرای عدالت را به فرزندان نشان دهند. وقتی کودک رفتار عادلانه والدین را مشاهده کند، با عدالت پرورش یافته و به آن عادت می‌کند. احیاناً اگر یکی از فرزندان بر دیگری ظلم کند، باید او را از کارش بازداشت و پیامدهای زیانبار ظلم را برایش بیان کرد. اگر نزاعی بین فرزندان یا همسایگان و بستگان روی داد، باید به اصلاح آن برخواست و فرزندان را به اصلاح ذات‌البین تشویق نمود تا به اجرای عدالت و رفتار عادلانه عادت نموده و دارای رفتار انسانی شوند.